

پیدایش شیخ نشین ها در خلیج فارس

خلیج فارس اصولاً دریایی به نسبت کم عمق بوده که در حوالی تنگه^۱ هرمز دارای ژرفایی کمتر از ۹۰ متر است. ^۱ مساحت خلیج فارس طبق آخرین برآورد ها ۲۴۰۰۰۰ کیلومتر مربع تخمین زده شده است. طول سواحل آن از مصب اروندرود تا تنگه^۲ هرمز در منابع ایرانی ۸۰۵ کیلومتر و در منابع خارجی از جمله دایره المعارف بریتانیکا ۶۱۵ میل یا بیش از نهد کیلومتر نوشته شده و همین اختلاف در مورد عریض ترین و تنگ ترین معبر خلیج نیز به چشم می خورد: در منابع ایرانی عریض ترین نقطه خلیج را ۲۸۸ کیلومتر و تنگ ترین معبر آن را در تنگه^۲ هرمز کمی بیش از ۴۶ کیلومتر نوشته اند، در حالی که دایره المعارف بریتانیکا به نقل از دایره المعارف اقیانوس شناسی عریض ترین نقطه خلیج فارس را ۲۱۰ میل (بیش از ۳۳۰ کیلومتر) و پهنای تنگه^۲ هرمز را ۳۵ میل (بیش از ۵۵ کیلومتر) نوشته است. ^۲ سابقاً " مردم این منطقه از نظر اجتماعی به صورت قبیله ای

(۱) کاظمی علی اصغر: ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس.

(۲) طلوعی محمود: نبرد قدرت ها در خلیج فارس، ص ۳۵

زندگی می‌کردند و چادر نشینی یکی از بهترین شکل‌هایی است که با
اوضاع و احوال جغرافیایی این قسمت منطبق بود. قبیله‌ها به طرف
مناطق کوچ می‌کردند که امکان زندگی را داشته باشند و سواحل
خلیج فارس برای سکونت مناسب‌تر از مرکز جزیره بود. هر چند سواحل
خلیج فارس شنی و اغلب با دهای شنی می‌وزد، ولی به هر حال قابل
تحمل‌تر از بقیه نقاط شبه جزیره عربستان می‌باشد.

عربها به سبک "پاتریارکال"، یعنی تحت ریاست پدر خانواده
ورئیس قبیله زندگی می‌کردند.^۱ رهبر قبیله شیخ نامیده می‌شد که دو
وظیفه اصلی به عهده داشت یکی حکمیت در درون قبیله بین گروه‌های
متخاصم، دیگری رهبری قبیله در باره موضوعاتی نظیر جنگ و صلح با
نیروهای خارجی (خارج از قبیله). شیخ معمولاً توسط اعضای
شورای رهبری قبیله که آنرا "مجلس" می‌نامیدند انتخاب می‌شد. روش
شیخ می‌بایستی هم‌آهنگ با خواسته‌های افراد با نفوذ قبیله باشد در
غیر این صورت مقام شیخیت او در معرض خطر حتمی بود.^۲ قبل از
اکتشاف نفت، قبیله‌های این ناحیه اغلب بطور دائم با یکدیگر
نزاع و کشمکش داشتند و تنها هنگامی با هم متحد می‌شدند که دشمن
واحدی آنها را تهدید می‌کرد. اکثر این قبایل با هم خصومت آباء و
اجدادی داشته و غالباً به صورت قهر و ستیز با هم به سر می‌پزدند.^۳
این کشمکش‌ها بر سر موضوعاتی از قبیل نظارت بر تجارت زمینی و
دریایی، حق ماهی‌گیری و صید مروارید، مالکیت بر مراتع جهست

۱- نهر و جو؛ هر لعل: نگاهی به تاریخ جهان، تفضلی محمود، ص
۱۴۷۸ جلد سوم.

۲- هالیدی فرد: عربستان بی سلاطین، افراسیابی بهرام، ص ۳۲،
جلد ۱.

۳- جناب محمد علی: خلیج فارس - نفوذ بیگانگان و رویدادهای
سیاسی ۱۹۰۰ - ۱۸۷۵، ص ۲۱.

گله‌ها ایشان و نظارت بر چاه‌های آب که برای ایشان اهمیت حیاتی داشتند، بوده است. به‌طور همزمان، نزاع‌های بی‌شمار از یک طرف بین اقوام حاکم و از طرفی بین خود اعضای یک خانواده حاکم وجود داشت. این نزاع‌ها از مسائل مربوط به زمین، سلطه تجار تسی، فخر فروشی‌های اشرافی و کسب قدرت برای رهبری خانوادگی ناشی می‌شد.^۱

آخرین مهاجرت این قبایل به طرف خلیج فارس از نجد و حجاز صورت گرفت. از قرن ۱۸ قبایلی به طرف شمال جزیره یعنی سوریه حرکت کردند و عده‌ایی هم به طرف جنوب و در یمن جا یگزین شدند. در این کوچ کردند، توسعه طلبی و هابیت که در عربستان آن روز قدرت قبایله‌ای بیشتری داشتند بی‌تاثیر نبود.

سعودیه ضمن کوشش برای تحکیم مواضع خود و در جهت کمک به رشد اقتصادی دولت جدید، راه دستیابی به بنادر خلیج فارس را جستجو می‌کرد. در سال ۱۷۹۳ ناحیه ساحلی مهم از نظر سوق الجیشی و اقتصادی، "الاحساء" از طرف قشون آنها اشغال شد. در سال ۱۷۹۸ قشون و هابیه ارتش عثمانی را که با همکاری نمایندگان شرکت هند شرقی به "الاحساء" از بصره فرستاده شده بود، کاملاً تارومار کردند. در سال ۱۸۰۰ قشون و هابیه "قطیف" بندر اصلی "الاحساء" (در عربستان سعودی کنونی) را تصرف کرد و در نواری طولانی در ساحل خلیج فارس راه یافت. در سالهای ۱۸۰۴ - ۱۸۰۲ و هابیه بر واحه مهم "بریمی" و تمام سواحل "جواسه" مسلط شد.^۲ و هابیت سعی داشت قبایل دیگر را زیر سلطه خود گرفته و آنها را به اطاعت از خود وادار نماید. در نتیجه خصومت‌های این قبایل نسبت به هم‌دیگر و خصوصاً "وهابیت" زیاد بود و این کینه و نفرت به آنها اجازه می‌داد که

۱- مظفری مهدی: امارات خلیج فارس، ص ۲۹.

۲- موسوی علی: خلیج فارس در گذر زمان، ص ۱۱۵.

برضد همدیگر صف آراییی نمایند. البته در این صف آراییی و قطعه قطعه شدن این سرزمین، انگلستان که در اوج سیاست توسعه طلبی و امپریالیستی بود تا ثیر زیادی داشت و این قبایل پشتیبا نی انگلستان را برای مقاصد خود غنیمت شمرده و برای نیل به استقلال داخلی منطقه ای که قبیله آنها ساکن بود از آن استقبال نمودند. خا و رجزیره عربی به علت قرار داشتن بر سر راه های ارتباط دریایی میان اروپا و جنوب خا وری آسیا حائز اهمیت بود و در جهت تأمین اهداف خود سعی می کرد تا امپراتوری عثمانی را که بر منطقه تسلط داشت مجبور به عقب نشینی نماید. در نتیجه جاسوسان انگلستان فعالانه سرگرم شوراندن شیوخ منطقه در برابر عثمانیان بودند. " بنا بر این توسعه طلبی انگلیس در خلیج فارس باید نه فقط در چارچوب نقشه های لندن برای تحت انقیاد درآوردن شرق عربی، بلکه همچنین از نظر گسترش وسیع فعالیت انحصارهای انگلیس در خا ورمیان بررسی شود. زیرا در سالهای ۷۰-۶۰ قرن ۱۹ (سالهای ۱۸۶۲ - ۱۸۶۵ - ۱۸۷۲) انگلستان امتیاز ساختمان و بهره برداری خط تلگراف خا نقین - تهران - بوشهر را از دولت ایران گرفت که در بوشهر این خط به کابل زیرآبی انگلیس "بوشهر" - "جاسک" - "مسقط" - "کراچی" می پیوست. بدین ترتیب تلگراف هند-اروپا احداث می شد که سیم های آن نه تنها لندن را با بمبئی مربوط می ساخت، بلکه مثل تار عنکبوت به دور ایران و شیخ نشین های خلیج فارس تنیده و باعث وابستگی اقتصادی و سیاسی آنها می گردید. ^۱

در قرن ۱۸ اوتویی یا طوبا که شاخه ای از قبیله انیزا (ANIZA) بودند در کویت تحت رهبری خا نواده ال صبا مستقر شدند.

" در قسمت جنوب بنی یاس که ال نهیان از اویند قدرت را در ابوظبئی در دست گرفتند. این وضع از موقعی که شیخ شخبوط بن ال نهیان

(معروف به پدرا مارت ۱۷۹۳ - ۱۸۱۶) چهار قبیله این منطقه بنی یاس مناصر - ظواهر و عواصرا متفق کرد و وجود دارد. "۱" طایفه دیگری از این قبیله در دوبی مستقر گردیدند. در قترهم در نیمه دوم قرن ۱۸ افراد قبیله بنی عتوب که به تدریج در ساحل غربی قطر سکونت اختیار کرده بودند تحت سرپرستی خاندان ال ثانی حکومتی برای خود تشکیل دادند که خانواده حاکم کنونی قطر نیز از عقب آنها هستند. ۲

شارجه - عمان - رأس الخیمه - فجیره در دست قواسم بود. جواسم یا قواسم نام کلیه طوایفی است که در سواحل داخلی خلیج فارس (معروف به ساحل دزدان) سکونت داشته و به دزدی دریایی مشغول بوده اند. ۳ دوشهر شارجه و رأس الخیمه از اهمیت زیادی برخوردار بوده و اینها عملاً " حاکم خلیج فارس بودند و از طرف دیگر دشمن قسم خورده و توبی (UTUBI) به شمار می آمدند .

انگلیس تسلط خود را بر هندوستان تحکیم نموده و این منطقه در نتیجه حکم پنجره ای را دار دبیر متصرفات انگلیس در هند ، بنابراین انگلیس متوجه این منطقه می گردد . در این زمان منافع انگلیسی ها با منافع این قبایل که هر یک قسمتی از خلیج فارس را به عنوان مسکن انتخاب کرده بودند به موازات هم قرار می گیرد . انگلیس می خواهد برای این منطقه تسلط داشته باشد و شیخ نشین ها هم می خواستند از یک پشتیبانی خارجی در مقابل همدیگر برخوردار باشند ، چون به تنهایی ممکن نبود یکی بر دیگری پیروز گردد

در پی چنین اهدافی انگلستان در سالهای ۱۸۲۰ - ۱۸۰۹ دست به یک سری عملیات نظامی بر ضد قواسم که تنها قدرت خلیج فارس بودند می زند . " کلنل اسمیت در سال ۱۸۱۰ مطابق سال ۱۲۲۵

۱- مظفری مهدی: پیشین ، ص ۹۲

۲- طلوعی محمود: پیشین ، ص ۱۱۷

۳- ویلسن آرنولد: خلیج فارس ، سعیدی محمد ، ص ۲۳۲

راس‌الخمیه را که محل تمرکز عرب‌ها بود خراب کرده، پنجاه سفینه آن را سوزانید و در سال ۱۸۱۹ مطابق سال ۱۲۳۵ در یادارگرانت مجدداً راس‌الخمیه را متصرف شد و دو بیست و دو سفینه اعراب را سوزاند.^۱ در این عملیات راس‌الخمیه کاملاً "بر اثر مداخلات نظامی از زمین می‌روید و در اوایل ژانویه سال ۱۸۲۰ مشایخ شیخ‌نشین‌های کوچک جواسه - ابوظبئی - دویی - شارجه - ام‌القوین و راس‌الخمیه را به محل خرابه‌های راس‌الخمیه که دو دوازده برمی‌خاست احضار کردند و آنان را به امضای قرارداد توهین آمیز در زمین‌ها طاعت خود و اداتشند و در هشتم ژانویه سال ۱۸۲۰ در یادارگرانت به نمایندگی دولت بریتانیا و حکام به اطاعت و اداتشده شیخ‌نشین‌های مذکور درهما نجا سند معروف به "قرارداد اساسی با عشایر عرب خلیج فارس" را امضاء کردند. این قرارداد که با زیرکی خاصی تنظیم گردیده بود برای قراردادهای اسارت با ربعدی استعمارگران با حکام سرزمین‌های این منطقه، نوعی نمونه محسوب می‌شد.^۲ با شکست قواسم و تنظیم قرارداد عملاً برتری این قبیله‌پایان می‌پذیرد و انگلیس تنها قدرت منطقه می‌گردد.^۳

(۱) شیخ قواسم تعهد می‌نماید که کشتی‌های جنگی موجود در راس‌الخمیه یا در شارجه یا در ابوظبئی را به دولت انگلیس واگذار کند و فقط به کشتی‌های ماهی‌گیری اکتفا نماید.

(۲) انگلیس تعهد می‌نماید که در آداب دیهای عشایر به قصد ویران ساختن آنها وارد نشود.

(۳) آنچه از عایا انگلیس نزد عرب‌ها سیرند مسترد می‌شوند.

(۴) پس از برقراری تعهدات طایفه قواسم اموری که مورد قبول کلیه

(۱) سید السلطنه محمد علی: بندر عباس و خلیج فارس، به تصحیح

احمد اقداری، ص ۶۳۵.

(۲) دلدیم اسکندر: سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، ص ۱۳۹.

(۳) نشأت صادق: تاریخ سیاسی خلیج فارس، ص ۲۱۲.

مشایخ آن صفحات گردیده است می پذیرد .

بعد از شکست قواسم انگلیس یک سری قرارداد با این قبایل امضاء می کنند که هسته های اولیه این دولتها که ساخته و پرداخته انگلیس می باشند ریخته می شود . انگلیسی ها بعد از پیروزی ، شیخ نشین ها را مجبور می کنند با بستن قرارداد با انگلیس از دادن امتیاز و یا امضاء قرارداد با کشورهای دیگری غیر از انگلیس خودداری نمایند و شیخ نشین ها عملاً " تحت الحما یه دولت انگلیس در می آیند .

در سال ۱۸۸۵ و ۱۸۹۲ ، این روابط در بحرین بوسیله دو موافقت نامه انحصاری تقویت می شود . انگلیس با عقد قراردادی با حکومت شیخ عیسی بن علی الخلیفه قدرتها ی بیشتری ضمن موافقت با موارد زیر بدست می گیرد :^۲

۱- من به هیچ وجه وارد قرارداد با مکاتبه با هیچ قدرتی به جز دولت بریتانیا نخواهم شد .

۱- دولت تحت الحما یه دولت ضعیف و ناتوانی است که به موجب پیمان منعقد با یک دولت قوی و نیرومندی ناچار تحت الحما یگی آن دولت را قبول می کند . در ترتیب تحت الحما یگی دولت حامی ظاهراً " متعهد می گردد که در مقابل حملات خارجی از دولت تحت الحما یه دفاع کند و در برابر این حمایت دولت تحت الحما یه قسمتی از حاکمیت خود را به دولت حامی انتقال می دهد . هر چند دولت تحت الحما یه قوانین و محاکم و تشکیلات اداری خود را حفظ می کند ولی با این همهراضی می شود که ما مورین دولت حامی در امور داخلی آن کشور نیز نظارت نماید و همچنین دولت تحت الحما یه موافقت می نماید که قوای نظامی دولت حامی خاک آن کشور را اشغال کنند .

ماخذ : ذاکر حسین عبدالرحیم : تاسیسات حقوقی و سیاسی امپریالیستی ، ص ۶۳ .

۲- هالیدی فرد : پیشین ، ص ۵۹۹ .

۲- بدون رضایت دولت بریتانیا با اقامت در حیطه نمایندگی هیچ دولت دیگری موافقت نخواهم کرد.

۳- به جز دولت بریتانیا، به هیچ وجه من فروش، رهن یا اشغال هر قسمتی از قلمروم را به دیگری واگذار نمی‌کنم.

در ۱۴ ماه مه ۱۹۱۴، شیخ بحرین به نماینده سیاسی انگلیس در بحرین نوشت که وی به "استخراج نفت در سرزمین خود و همچنین دادن چنین پیشنهادی برای بهره‌برداری از آن بدون مشورت با نماینده سیاسی بریتانیا و رضایت دولت بریتانیا مبادرت نخواهد ورزید." ^۱ در سال ۱۸۹۹ کویت تحت الحمایه دولت انگلستان می‌شود و دولت انگلستان حکومت عثمانیان را از شهر کویت برمی‌اندازد و تحت الحمایه‌ای در ناحیه‌ای به وسعت ۶۰۰۰ میل مربع واقع در راس خلیج فارس در بیابان بنا می‌نهد. حاکم محلی کویت (موسوم به شیخ) شرط زیر را می‌پذیرد: ^۲

"ضمناً" او متعهد می‌شود که شخص وی وراثت و جانشینانش، هیچ قسمت از خاک خود را بدون رضایت قبلی پادشاه انگلستان به دولت یا اتباع دولت دیگری به واگذاری - اجاره - رهن یا برای اشغال و یا هر منظور دیگری ندهند."

در خصوص نفت شیخ در ۲۷ اکتبر ۱۹۱۳ نامه‌ای به نماینده سیاسی انگلستان در خلیج فارس در بوشهر نوشت: "ما با هر آنچه شما صلاح بدانید موافقیم و اگر آن آدمیرال مصاحبت ما را محترم شمارد ما یکی از پسرانمان را در خدمت وی خواهیم داشت تا محل قیر طبیعی

۱- شوادران بنجامین: خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، شریفیان عبدالحسین، ص ۳۴۹.

۲- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل امتیازات نفتی خاورمیانه، ابراهیم زاده سیروس، ص ۸۴.

در برقرن و در دیگر نقاط را به وی نشان دهد و اگر به نظر ایشان امیدی به یافتن نفت در آنجا برود امتیاز آن را به هیچ کس به جز فردی که دولت انگلستان تعیین کنند نخواهیم داد.^۱

این قرارداد اهمیت سوق الجیشی و اقتصادی فراوان داشت. در نشریه معروفی به نام "کارتل بین المللی نفت که به دستور کمیسیون تجاری فدرال ایالات متحده آمریکا در سال ۱۹۵۲ منتشر می‌گردید، خاطر نشان می‌شود: مقدمات سیاسی که به کسب ۵۰ درصد سهام (کویت و ویل کمپانی) توسط کمپانی گلف منجر گردید در حقیقت در سال ۱۸۹۹ وقتی که مبارک الصباح نام‌های بانمایندۀ سیاسی دولت انگلیس در منطقه خلیج فارس منعقد کرد، فراهم شده بود.^۲

انگلیس در ۱۹۱۱-۱۹۱۲ توانست فرمانروایان امیرنشین‌های کرانه دریای عمان را تشویق به امضای قراردادهای بسیاری کند که بندهای بنیادی پیمان‌های نابرابر "دوستی و همکاری" پیشین را محکم‌تر می‌کردند و خود دارای بندهای بیشتری برای استوار ساختن جایگاه‌های سیطره جویانه آن در این منطقه فراهم کنندهٔ همه شرایط برای دخالت و وزیدنش در کارهای درونی و بیرونی این امیرنشین‌ها بودند. بر پایه پیمان انگلو-ترک ۲۹ ژوئیه ۱۹۱۳ دولت علیه (ترکیه) عملاً از همه دعواهای خویش در امیرنشین‌های کرانه دریای عمان - قطر و بحرین چشم‌پوشی کرد و کویت را "ولایتی خود فرمان" از امپراتوری عثمانی شناخت.^۳

در آستانه جنگ جهانی اول و در طول آن، بریتانیا همچنان به

۱- شوادران بنحامین: پیشین، ص ۳۶۱.

۲- دلدن اسکندر: پیشین، ص ۱۹۴ - ۱۹۳.

۳- کیکتیف و دیگران: تاریخ معاصر کشورهای عربی، روحانسی

محمدحسین، ص ۲۹۶.

مبارزه فعالانه برای توسعه سیادت خود در منطقه خلیج فارس ادامه می‌داد. در جهت تامین این سیادت دولت بریتانیا کمیته سری خاصی به ریاست "بونزن" تشکیل داد که می‌بایست در مورد تغییر نقشه جغرافیایی شرق عربی و از جمله خلیج فارس تصمیم نهایی را اتخاذ نماید.

در سال ۱۹۱۲ دیپلماتها و جا سوسان انگلیس در خلیج فارس نقشه‌ای را برای احداث شیخ نشین بصره مورد بحث قرار داده بودند. آنها در نظر داشتند بصره را از عراق جدا کنند و با برتخت نشاندن "طالب پاشا" عامل قدیمی انگلیس تمام جلگه شط العرب را تحت سلطه انگلستان در آورند^۱. بصره در قلب سیاست منطقه‌ای بغداد-شیراز-دمشق و استانبول قرار داشت^۲.

بدین ترتیب به قیمت محدود کردن شبه جزیره عربستان، این قبایل استقلال داخلی خود را با زمو می‌بندد. این محدود کردن هم‌نظوریکه شاهزاده‌ها را از اهداف انگلستان بود و قبایل خلیج فارس هم از این بابت ناراضی نبودند. تنها تغییری که منطقه بعد از بیرون رفتن انگلیس پیدا نمود، تشکیل یک کنفدراسیون بود مرکب از هفت امارت (ابوظبی - دوبی - شارجه - عمان - ام القوین - رأس الخیمه - فجیره) که رئیس این کنفدراسیون شیخ ابوظبلی تعیین می‌شود و معاون از دوبی، بحرین و قطر هم به این کنفدراسیون دعوت شدند اما این دو کشور از قبول عضویت در این کنفدراسیون سر باز زدند. پس از پایه‌گذاری نام دولت امیرنشین‌های متحد عربی بر آنها نهاده شده و این پروژه برای پایه‌ها استوار شد^۳.

(۱- پی‌ریزی اتحادی فدرال از امیرنشین‌های عربی و بستن

(۱- موسوی علی: پیشین، ص ۱۵۰.

(۲- امین: منافع انگلیسی‌ها در خلیج فارس، میرسعید قاضی، ص ۸۵.

(۳- کیکتیف و دیگران، پیشین، ص ۳۵۹.

پیمان های میان آن از یک سو و کویت - عربستان و ایران از سوی دیگر .

۲- بستن پیمان های دفاعی میان یکا یک سرزمین های عربی عضو این دولت متحده با ایران .

۳- پیوند دادن امیرنشین های عضو اتحادیه با پیمان سنتو .

در نتیجه متوجه می شویم که قطعه قطعه شدن این منطقه جنبه ملی ندارد و همگی شکل حکومت وحدومرز جغرافیایی شان را از دوران سلطه حمایت بریتانیا به ارث برده اند . اما مسئله روز نفت مویا شد که چهره منطقه را دگرگون ساخته است . اظهارات " کلمانسو CLEMENCAU " نخست وزیر فرانسه در آستانه جنگ جهانی اول که گفت ارزش یک قطره نفت مساوی با ارزش یک قطره خون است و یا گفته مارشال فوش FOCH سردار فرانسه در جنگ جهانی اول که " ما باید نفت داشته باشیم وگرنه جنگ را خواهیم باخت " و یا ادعای لورد کورزن CURZON وزیر خارجه انگلستان و مغز متفکر استعماری انگلیس که " متفقین به پیروزی نائل نگردیدند مگر به واسطه وجود نفت " ^۲ نشان دهنده اهمیت نفت به عنوان یک انرژی استراتژی مویا شد .

این منطقه با وجود اینکه از لحاظ جمعیت و وسعت جغرافیایی با لنسبه محدود است اما کماکان شریان اقتصادی جهان به حساب می آید . حدود ۹ میلیون بشکه نفت یعنی تقریباً " دوبرابر ظرفیت تولید ماژداسایر نقاط جهان روزانه از طریق تنگه هرمز صادر می شود و کشورهای حوزه خلیج فارس ذخایر ثابت شده ای به میزان بیش از ۲۷۰ میلیارد بشکه نفت را دارا هستند ^۳ .

۱- الهی محمد علی: خلیج فارس ، نفت و دیپلماسی، روزنامه کیهان - یکشنبه ۲۷ خرداد ۱۳۶۹ .

۲- لسانی ابوالفضل: طلای سیاه یا بلای ایران، ص ۱ .

۳- مروی: تاثیر نفت و احیای اسلام بر روابط استراتژیستیک در خلیج فارس، اطلاعات سیاسی - اقتصادی - سال اول، شماره اول .

از طرف دیگر در آمدن نفتی این منطقه قابل توجه است. درآمد ۴ کشور اصلی تولیدکننده نفت (عربستان سعودی - کویت - امارات - متحده عربی - قطر) از ۷۵۵ میلیون دلار در سال ۱۹۷۳ رسید به ۳۶۷۰۰ میلیون دلار در سال ۱۹۷۴ و در سال ۱۹۷۶ به ۵۱۰۰۰ میلیون دلار بالغ گردید^۱.

در نتیجه شرایط زندگی در داخل و همچنین جای خلیج فارس در اقتصاد دنیا تغییر فاحش می‌یابد. کشورهای که از نظر استراتژیکی برای انگلستان مهم بودند و به دزدان دریایی معروف بودند بسا شرایط جدیدی رو به رو می‌شوند. ورود سیل آسیای نیروی کار خارجی یکی از مهم‌ترین تغییرات اجتماعی این شیخ نشین‌ها محسوب می‌شود. پرسنل درجه یک و متوسط از خارج وارد می‌شوند. هزاران آموزگار و تحصیل کرده سوری - مصری - مراکشی و فلسطینی از نظام آموزشی کشورهای نظیر کویت - عربستان سعودی - قطر و شیخ نشین‌ها بکار اشتغال دارند و یاد در دستگاه‌های دولتی و خصوصی نیروی متخصص و نیمه متخصص لازم را تامین می‌کنند.

از جمعیت ۱۷۱۰۰۰۰ نفری کویت، ۳۹ درصد کویتی، ۳۹ درصد اعراب دیگر و بقیه ایرانی و هندی و پاکستانی هستند. از جمعیت قطر فقط ۴۰ درصد عرب می‌باشند و هندیها با ۱۸ درصد و ایرنیها بسا ۱۰ درصد، اقلیت‌های بزرگی را تشکیل می‌دهند^۲. قسمت اعظم نیروی کار عربستان سعودی را کارگران مهاجر از یمن شمالی تشکیل می‌دهند. علاوه بر اینها دهها هزار متخصص و کارگر نیمه متخصص از سراسر جهان بخصوص از کشورهای نظیر کره جنوبی و فیلیپین در بخش‌های مختلف اقتصاد این کشورها بکار مشغولند. به منظور اجرای برنامه ۵ ساله

۱- مجله مردم مدیترانه - چاپ پاریس (فرانسه) - ژانویه - مارس ۱۹۸۰، ص ۵۳.

۲- مجله جنوب (SOUTH) چاپ لندن - سپتامبر ۱۹۸۵.

۱۹۷۴-۱۹۷۹ عربستان مجبوره وارد کردن حدود ۷۰۰ هزار کارگر بود.^۱

بر حسب یک تخمین در سال ۱۹۷۵ از ۹۰۰۰۰۰ کل جمعیت عمان ، ۲۵۰۰۰ نفر کارگران هستند که از مالک دیگری به آنجا مهاجرت کرده اند و منبع اصلی نیروی کار آن راندی و پاکستانی تشکیل مودهند. در قطر با جمعیت ۲۰۰۰۰ که تولید نفت در سال ۱۹۴۹، شروع شده در سال ۱۹۷۲ این رقم به ۱۱۰۰۰۰ نفر افزایش یافت که ۴۶۰۰۰ نفر آن قطری و ۶۵۰۰۰ نفر غیر قطری بودند.^۲

بیشترین تعداد مهاجرین را در این نوع کشورها ، امارات متحده عربی، به ویژه در چها را میرنشین ابوظبی - دوبی - رأس الخیمه و شاره که تولید نفت امارات از آنها شروع شد، دارا میباشند. افزایش جمعیت در این کشورها در دهه گذشته بسیار چشمگیر است. بطوریکه طبق آمار رسمی جمعیت از ۱۸۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۶۸ به ۳۵۰۰۰۰ نفر در سال ۱۹۷۴ و به ۶۶۵۹۳۷ نفر در سال ۱۹۷۶ رسیده است. تعداد خارجیان در بقیه امارات در سال ۱۹۶۸ حدود ۷۴۲۵۰ نفر بود که در سال ۱۹۷۲ به ۱۳۲۷۵۰ نفر رسید.^۳

مشکل اصلی در این جوامع این است که نظام اجتماعی - سیاسی هنوز پانگرفته است و از طرف دیگر مشروعیت آنها ممکن است محل تردید باشد. بنا بر این کشورها ی استعماری با توجه به منافع سرشاری که در منطقه دارند، کوشش مینمایند تا از طریق بازسازی دولت، آموزش نیروهای نظامی، فروش اسلحه و اعزام کارشناسان و غیره به تحکیم قدرت رژیم های این منطقه کمک نمایند. تمام این مسائل بطور مسلم مشکلات عدیده ای ایجاد خواهد کرد. در نتیجه

۱- هالیدی فرد: مهاجرت نیروی کار در خاور میانه، مهیار، ص ۲۳.

۲- هالیدی فرد: همان، ص ۲۶.

۳- همان، ص ۲۶.

می‌توانیم سوالات زیر را در مورد دولت‌های بی‌شکل ایجاد شده مطرح نماییم :

۱- چه نوع جامعه‌ای در حال تشکیل شدن است با این منابع و منافع موقتی؟

۲- اگر مقداری دورتر نگاه کنیم، چه باقی خواهد ماند بعد از تمام شدن ذخایر نفتی؟

۳- با وجود عدم تجانس و گوناگونی جمعیت، از چه ملتی می‌توانیم صحبت نماییم؟

۴- با اواخره وقت از صنعت صحبت می‌شود، صنعتی که نیروی کار آن خارجی هستند به چه نحوی رشد می‌کند؟

منابع

- ۱- هالیدی فرد: عربستان بی سلاطین، افراسیابی بهرام، تهران، کتابسرا، ۱۳۵۸، ۲ جلد.
- ۲- هالیدی فرد: مهاجرت نیروی کار درخا ورمیانه، مهیار، تهران، تندر، ۱۳۶۰.
- ۳- لسانی ابوالفضل: طلای سیاه یا بلای ایران، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۷.
- ۴- موسوی علی: خلیج فارس درگذر زمان، تهران، ۱۳۶۶.
- ۵- نشأت صادق: تاریخ سیاسی خلیج فارس، تهران، شرکت نسبی کانون کتاب.
- ۶- شوادران بنجامین: خاورمیانه، نفت و قدرتهای بزرگ، شریفیان عبدالحسین، تهران، کتابهای جیبی، ۱۳۵۲.
- ۷- طلوعی محمود: نبرد قدرت‌ها در خلیج فارس، تهران، پیسک ترجمه و نشر، ۱۳۶۶.
- ۸- نهروجواهر لعل: نگاهی به تاریخ جهان، تفضلی محمود، تهران، امیرکبیر، ۱۳۵۳.
- ۹- مظفری مهدی: امارات خلیج فارس، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی.
- ۱۰- ویلسن آرنولد: خلیج فارس، سعیدی محمد، تهران، بنگاه ترجمه و نشر کتاب، ۱۳۴۸.
- ۱۱- سدیدالسلطنه محمد علی: بندرعباس و خلیج فارس، به‌تصمیم احمد اقداری، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۸.
- ۱۲- دلدن اسکندر: سلطه جویان و استعمارگران در خلیج فارس، تهران، انتشارات نوین، ۱۳۶۳.
- ۱۳- ذاکر حسین عبدالرحیم: تاسیسات حقوقی و سیاسی امپریالیستی

تهران، چاپخش، ۱۳۶۸.

۱۴- مقداشی زهیر: تجزیه و تحلیل مالی امتیازات نفتی خاور-
میانه، ابراهیم زاده سیروس، تهران، انتشارت پیروز،
۱۳۵۴.

۱۵- کیکتیف و دیگران: تاریخ معاصر کشورهای عربی، روحانسی
محمدحسین، مشهد، آستان قدس، ۱۳۶۷.

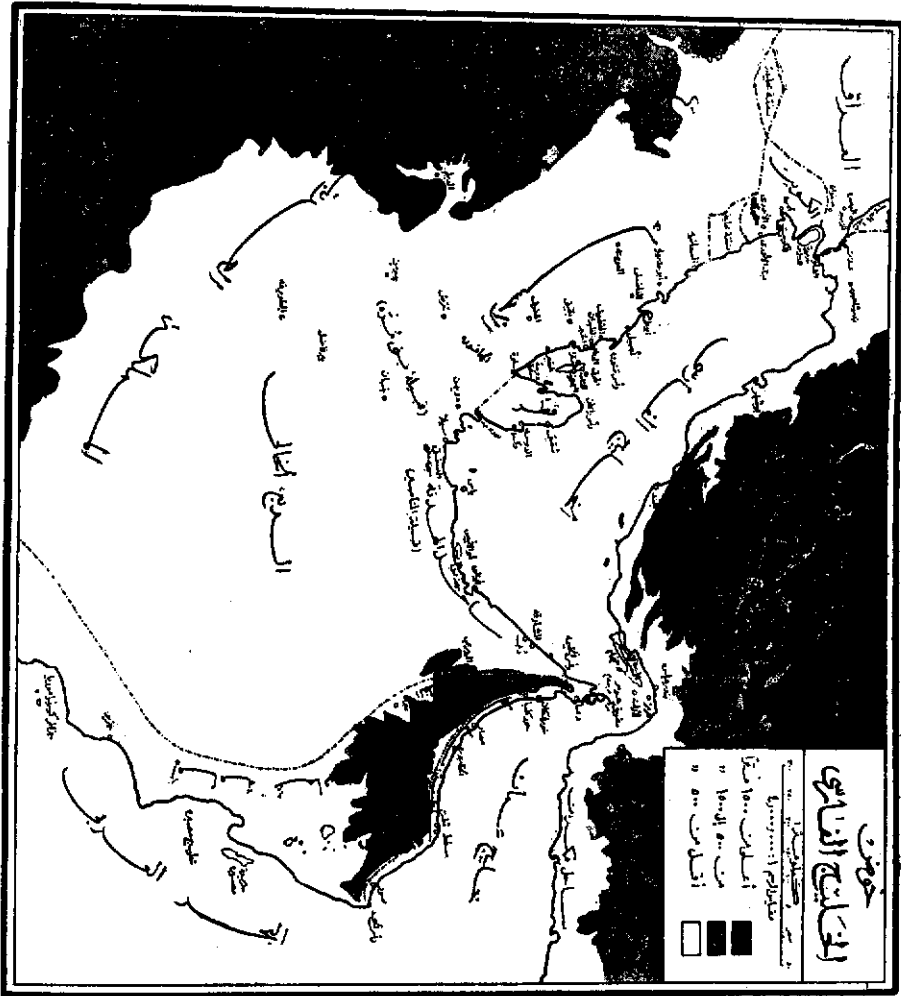
۱۶- امین: منافع انگلیسی ها در خلیج فارس، میرسعید قاضی
علی، تهران، زرین، ۱۳۶۷.

۱۷- کاظمی علی اصغر: ابعاد حقوقی حاکمیت ایران در خلیج فارس،
تهران، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، ۱۳۶۸.

۱۸- لوتسکی: تاریخ عرب در قرون جدید، بابایی پرویز، تهران،
مرکز نشر سپهر، ۱۳۴۹.

۱۹- لنچافسکی ژرژ: تاریخ خاور میانه، جزایری هادی، تهران،
اقبال، ۱۳۳۷.

۲۰- جناب محمد علی: خلیج فارس، نفوذ بیگانگان و رویدادهای
سیاسی (۱۹۰۰-۱۸۷۵)، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم
انسانی.



این نقشه که از کتاب «دلائل جغرافیة الخليج الفارسی» تألیف دکتر صلاح الدین اللطاف تهیه شده بین نام خطی خليج فارس از زبان همسایگان ایران است.